

## قلاده رها شدگان!؟

در کشورهای که قانون حاکم است، کسانی که قلاده سگ خود را، با آنکه اغلب تربیت شده و اهلی هم هستند، عمدتاً یا سهواً رها کنند، به گونه‌ای که موجب ترس و وحشت عابرین و زخم و ضرری به آنها شود، شدیداً تحت تعقیب قرار می‌گیرند و جریمه سنگین و زندان سختی را باید تحمل کنند.

نیروهای سرکوب سیستم‌های سلطه‌گر نیز اگر تربیت نشده و افسار گسیخته باشند، ددمنشی و درنده خوئی بیشتری نشان می‌دهند. بنابراین مسئولیت کنترل و مهار آنها بر کسانی که قلاده تقلیدشان را در دست دارند، به مراتب سنگین‌تر است و جرم و جنایت اربابانشان، که عالماً عامداً یا سهل انگارانه آنها را به جان مردم می‌اندازند، نزد خدا و خلق او عاقبت سوزناک‌تر است.

این روزها که طبل رسوائی شکنجه‌گران در کشتارگاه‌های کهریزک و اوین و... به صدا درآمده و دندان سگ‌های هار، وابستگان هواداران حاکمیت را هم گاز گرفته و سوزش درد به خودی‌ها هم رسیده است، "ندا" های نوشدارو پس از مرگ "سهراب" و فرافکنی‌های همچون همیشه آغاز شده است؛ رئیس سابق ستاد مشترک سپاه، شکنجه‌شدن شهید روح الامین را علنی میکند، دادستان کل کشور چنین جنایت‌هایی را "غیر قابل دفاع" می‌شمارد و دبیر شورای امنیت ملی دستور رهبری را برای تعطیلی زندان غیر استاندارد ابلاغ میکند و سربسته اعلام می‌شود چند مامور متخلف توبیخ شده‌اند؟! بدون آن که اسم و رسم و مقام و موقعیت آنهایی که چنین جنایاتی را مرتکب شده‌اند روشن گردد و قصاص خون‌های ریخته شده و نقص عضوهای وارد شده بر جگر گوشگان ملت انجام گردد. نه دادگاهی برپا می‌شود و نه دادی ستانده می‌شود.

حداقل همچون ماجرای ده سال قبل حمله به کوی دانشگاه که محاکمه‌ای مردم فریب انجام شد و فرمانده عملیات به ظاهر محکوم و چند ماه بعد نشان لیاقت گرفت!! هم انجام ندادند تا عواطف جریحه دار شده را مرهمی مصنوعی و موقت بگذارند.

آیا در "نظام ولائی" آقایان، قلاده و افسار درندگان را عالماً عامداً رها کردن و آنها را به جان و مال و ناموس مردم انداختن، جرم و جنایتی محسوب نمی‌شود و آمر مبرای از جنایت عامل است؟

آیا در نظام فقهاتی که صدها نفر را به جرم زنا و لواط تاکنون اعدام کرده، حتی تهدید به چنین اعمال شنیعی، توسط برادران "حزب الشیطانی" در زندان‌ها با مخالفان "توجیه شرعی" دارد؟! خدا کند گزارشاتی که توسط برخی آزادشدگان در سایت‌های کامپیوتری منتشر و در نامه آقای کرویی به آقای هاشمی هم منعکس

شده است، دروغ باشد و گرنه وای بر عاملان آن که به تعبیر قرآن: "احدی از مردم عالم در این کار از شما پیشی نگرفته است" ( ما سبقکم بها من احد من العالمین). کاش می شد باور خود را به بند کشید، افسوس که ترمز بریدگاناز همه مرزها گذشته اند. به تعبیر امام حسین در آستانه شهادت: "شما پس از کشتن من حرمت هیچ خونی را رعایت نخواهید کرد".

البته در زندان ابوغریب هم برای تحقیر زندانیان عراقی آنها را برهنه می کردند، ولی چنین پستی و پلشتی هائی را اجازه نداشتند مرتکب شوند، اگر این شایعه متواتر درست باشد، در این عرصه نیز دولت خدمت گذار!! گوی سبقت را از سایر کشورها ربوده است.

اگر امروز راز سوزاندن جسد "ترانه موسوی" و جنایت هولناکی که تصوّر آن موی براندام راست می کند، سر به مهر مانده است، فردای آزادی ملت یا فردای قیامت سلول های ستمکاران را خواهد سوزاند.

آیا در نظام ولائی نواختن باتوم مرگ بر فرق فرزند ۱۲ ساله یک پدر که در مراسم چهلم شهداء شرکت کرده قصاصی ندارد و عامل و آمر آن نزد خدا مسئول نیستند؟

آنها که مدعی استمرار ولایت علوی هستند آیا نشنیده اند که آن اسوه عدالت به فرمانروای مصر فرمود: "مواظب دست و شلاق و شمشیرت باش که در مشت زدن چه رسد بالاتر از آن امکان قتل وجود دارد و قتل نیز قصاص بدنی دارد و پرداخت خون بهاء"؟ (نه پول گلوله و دستمزد قاتلان و صورت حساب سردخانه وانعام تحویل جنازه و اجازه کفن و دفن، البته با تعهد عدم برگذاری مجلس ختم و عزاداری!!).

آیا نشنیده اند که فرمود:

"از خدا پروا داشته باشید در حق بندگانش و شهرهایش! حتی در حفظ زمین ها و ستورانش نیز پاسخگو هستید" (اتقواالله فی عبادہ و بلادہ فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم).

آیا فرمانده کل قوا، ولی امر مطلقه مسلط بر جان و مال و ناموس مردم، خود را پاسخگوی خدا و خلقش در برابر هزاران خون و خرابی و خسارتی که از ناحیه مأموران تحت فرمانش به این ملت مظلوم وارد شده می داند!؟

فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ (منتظر باش که ما نیز از منتظرانیم)